

آل قویوب: سیاست‌گذاری و سلب زیستن در راستاکوچه، محله‌ای تاریخی در تبریز*

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

DOI:10.22034/jeds.2024.61723.1812 شناسه دیجیتال:

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۳۱

اصغر ایزدی جیران^۱

چکیده

فکر مراقبت و حفاظت از بافت‌ها، محله‌ها و آثار تاریخی در قالب طرح‌های جامع شهری، ثبت آثار، تصویب قوانین و ضوابط و تنظیم آیین‌نامه‌ها طی حدود نیم قرن گذشته بر زندگی در محله‌هایی با بافت تاریخی و قدیمی تأثیر عمیقی گذاشته است. هدف این مقاله، بررسی مردم‌شناختی و زمینه‌مند کردن سیاست‌گذاری نهادهای رسمی بر زندگی در محله‌ی راستاکوچه در مرکز شهر تبریز است. به خاطر تمرکز پژوهش بر رابطه بین نهادها و اجتماعات محلی، برای استخراج قوانین مربوط به سیاست‌گذاری‌های نهادها و مقامات آنها از روش مطالعات اسنادی و بررسی خبرگذاری‌ها و برای مشاهده فضاهای زیسته در محله‌ها از روش مردم‌نگاری و فتون همچون مشاهده و حضور بهره برده‌ام.

برآیند سیاست‌گذاری‌های محلی، ملی و بین‌المللی در قالب طرح‌های جامع، قانون‌های مجلس و پایگاه جهانی یونسکو در حدود نیم قرن گذشته، در کردار «آل قویوب» (دست گذاشتن) اداره کل میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی تجسم یافته است. سیاست «آل قویوب» که می‌بایست به سبک ایجابی با مجموعه‌ای وسیع از مطالعات و اقدامات ویژه موجب مراقبت و زنده شدن بافت تاریخی این سو و آن‌سوی باروی قدیمی می‌شد، به یک شیوه سلبی کوتاه‌فکرانه تقلیل یافت: ساخت‌وساز بالای ۷.۵ متر ممنوع یا پذیرفتن خطر زیستن در خانه‌هایی که دچار فرسودگی‌اند. بسیاری از اهالی خانه‌های قدیمی‌شان را وانهادند و از محله‌ها رفته و آواره و مستأجر شده‌اند. تأثیر ملموس این سیاست‌ها و وانهادگی در اجتماع محلی عبارت بودند از: خانه‌های رو به ویرانی، مخروبه‌های وسیع، درهای صدمه‌دیده، درهای قفل‌دار، شکستن رد بارو، تخلفات ساخت‌وساز، ناهمسازی سکونت، و وضع آناشیک. نتیجه، سلب ساکنان از زیستن در محله‌ی خودشان بود.

واژگان کلیدی: مردم‌شناسی سیاست‌گذاری، میراث فرهنگی، محله‌های تاریخی، خانه، آل قویوب

مقدمه

در دوران مدرن، حساس شدن دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی به آثار و بافت‌های تاریخی به‌عنوان میراث ارزشمند فرهنگی بشریت، موجب تعریف و تعیین مصادیق آنها در فضای زیسته و روزمره مردم شده است. در فرایندی از شناسایی، برخی از ساختمان‌ها، محوطه‌ها و مجموعه‌هایی با قدمت، زیبایی و معماری تحسین‌برانگیز به فهرست آثار ملی و جهانی درمی‌آیند تا تحت مراقبت ویژه قرار بگیرند. یک نهاد دولتی تخصصی بنام «سازمان میراث فرهنگی»، که اخیراً به وزارتخانه ارتقا یافت، مسئولیت شناخت و نگهداری از بقایای مادی سنت گذشته را دارد. این نهاد باید با همکاری با سایر نهادها بتواند امکان حفظ و احیا و پویایی این فرهنگ مادی را میسر سازد (قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۸۲).

اردیبهشت ۱۴۰۲ در اولین دیدارم از محله‌ی تاریخی راستاکوچه در مرکز تبریز، از هر دو سه در، یکی‌اش از بیرون قفل شده بود. مگر می‌شود این‌همه در قفل شده متعلق به یک محله باشند؟ بیشتر که گشتم خرابه‌هایی را دیدم، خانه‌هایی که ترک شده و ویران گشته بودند. روزهای بعدی که به تدریج چشم‌هایم از قفل شدن روی قفل درها به بالای دیوارها هم رفت متوجه شدم که دزدی و حس ناامنی تبدیل به مسئله و تجربه‌ی جدی اهالی در هر دو سوی حصار و باروی تاریخی تبریز است. در فقدان تأمین امنیت عمومی، هر شخصی مجبور بود خودش در کوچه و بالای سر خانه‌اش نه یکی دو تا بلکه تا شش دوربین کار بگذارد.

قفل‌ها، خرابه‌ها، و دوربین‌ها نشانه‌های اجتماعی و فرهنگی ملموس و مهم مردمان اینجا هستند. به زبان مردم‌شناسان، عناصر «فرهنگ مادی» که وضعیت زیست روزمره‌ی مردمان دو سوی رد حصار یا باروی تاریخی را آشکار می‌سازند. این وضعیت حاصل قوانین و ضوابط مربوط به حفظ بافت تاریخی و فرهنگی ارزشمند حریم بازار سرپوشیده در چند دهه گذشته بوده است. برای همین، تمرکز نظری و تجربی این مردم‌نگاری را دقیقاً در نقطه اتصال کردارهای نهادهای رسمی و زندگی در محله‌های این‌سو و آن‌سو بارو قرار دادم، در نقطه جوش سیاست و زندگی، یا به تعبیر بهتر جای رد پای سیاست در زندگی. پرسش کلیدی این تحقیق آن است که چگونه سیاست‌گذاری‌های نهادهای رسمی به درون واقعیت نفوذ کرده و توسط مردم زیسته می‌شوند؟ برای رسیدن به این هدف، لازم است از یک طرف تبار سیاست‌ها ردیابی شود و از طرف دیگر، با مشاهدات اتنوگرافیک نشان داده شود که این سیاست‌ها چگونه در عمل به شکل ملموسی هویدا شده‌اند.

رویکرد نظری: مردم‌شناسی سیاست‌گذاری

این پژوهش شکلی از مردم‌شناسی سیاست^۱ یا مردم‌شناسی سیاسی^۲ است. این شاخه از مردم‌شناسی با روش تحقیق میدانی و نوشتار مردم‌نگارانه به مطالعه ساختار سیاسی، سازمان سیاسی و عمل سیاسی می‌پردازد. مردم‌شناسان از آغاز دو دیدگاه اصلی در مطالعاتشان در باب سیاست داشته‌اند: از یک‌طرف، آنها در جست‌وجوی سیاست در ساخت قدرت، اشتقاقیات آن و اثرات انشعابی‌اش به‌عنوان مسائل هویت، سوژکتیویته^۳ و عاملیت بوده‌اند. از طرف دیگر، مردم‌شناسان سیاست را در نهادهای سیاسی می‌جستند، برای بررسی مسائل اقتدار، پاسخگویی و منفعت، دومی تباری طولانی در قالب مردم‌شناسی سیاسی دارد، با در نظر گرفتن تأکید کلاسیک بر ساختار اجتماعی، مناسک، هنجارها و تضاد در مردم‌نگاری مردم‌شناختی. اما اولی هست که امروزه مرتبط دانسته می‌شود، با در نظر گرفتن منابع نظری چندگانه‌اش در و بیرون از رشته (مثلاً در مارکسیسم، فمینیسم، مطالعات فرودستان و مطالعات فرهنگی) و سرزندگی کنونی مردم‌شناسی اجتماعی و فرهنگی حول مسائلی چون شخص‌بودگی، شکل‌های فرهنگی جدید و هستی‌شناسی‌ها (گرینهاوس^۴، ۲۰۱۸).

با در نظر گرفتن جابه‌جایی‌های چندگانه سیاست، و فقدان نسبی درگیری مردم‌شناسی با دولت‌ها به مثابه مکان‌های مردم‌نگارانه، جای تعجبی ندارد اگر مردم‌نگاری‌های قدرت را محکوم کنند که با سیاست واقعی موجود به‌طور مردم‌نگارانه سخن نمی‌گویند. «چرخش فرهنگی» یک نسل قبل، مردم‌نگاری قدرت غنی‌ای را تولید کرد ولی با غیرمادی کردن دولت: یعنی قدرت دولتی را یک حساسیت درونی صورت‌بندی می‌کرد به جای اینکه آن را اثر مستقیم قهری یک موجودیت سازمان‌یافته به معنایی وبری بدانند. آنها صورت‌بندی‌های گفتمانی را مطرح کردند تا از معضلات بررسی ملموس دولت‌ها خلاص شوند. اما امروزه می‌بینیم که دولت‌ها با تجربه یکپارچه می‌شوند، با اثرات شدید فیزیکی و مادی و ملموس (گرینهاوس، ۲۰۱۸: ۱۳-۱۲).

آنچه بیش از هر موضوع و مسئله دیگری در مردم‌شناسی سیاست یا مردم‌شناسی سیاسی به کار پژوهش من می‌آید شاخه مردم‌شناسی سیاست‌گذاری است (کران-هنسن^۵ ۲۰۱۵؛ ناگت و وینسنت^۶، ۲۰۰۷؛ لولن^۷، ۲۰۰۳؛ وینسنت و دیگران، ۲۰۰۲؛ گلدهیل^۸ ۲۰۰۰؛ وینست ۱۹۹۰). سیاست‌گذاری از طریق کردار بوروکراتیک، رویارویی بین مقامات و سوژه‌ها، و محصولات مادی و فرایندهای حکومت کردن اعمال می‌شود. عاملان دولتی درگیر طیفی از کردارها هستند که

1. anthropology of politics

2. political anthropology

3. subjectivity

4. Greenhouse

5. Krohn-Hansen

6. Vincent

7. Lewellen

8. Gledhill

باعث می‌شوند کنش خود دولت آشکار و روشن شود، هم به‌طور بیرونی توسط سوژه‌ها و عموم مردم و هم به‌طور درونی توسط طیفی از مقامات بوروکراتیک که دولت را می‌سازند. برای مطالعه سیاست‌گذاری^۱ باید بوروکراسی‌ها را در ارتباط با یکدیگر بررسی کنیم، رویکردی مردم‌نگارانه که هم جهت‌گیری افقی دارد، در سراسر یک میدان سیاسی خاص، و هم جهت‌گیری عمودی دارد، از قدرتمندترین عاملان دولتی تا سوژه‌های تحت حکومت. مردم‌شناسی سیاست‌گذاری می‌تواند در دو مسیر مهم گام بردارد: اول، آن نوع از مردم‌شناسی سیاست‌گذاری که در دیالوگ و ارتباط با اجتماعات تحت تأثیر ظهور می‌یابد؛ دوم، شکلی از مردم‌شناسی سیاست‌گذاری که بر مردم‌نگاری و نقد نخبگان قدرتمند سیاست‌گذار تمرکز می‌کند (تیت^۲، ۲۰۲۰: ۹۲-۹۳). پژوهش من ترکیبی از این دو مسیر بوده است.

بخش زیادی از ادبیات علوم سیاسی در مورد سیاست‌گذاری، آن را در ارتباط با اهداف گفته‌شده‌اش ارزیابی می‌کند. اما مردم‌شناسان می‌پرسند این سیاست‌گذاری در عمل چه کاری در دنیای اجتماعی انجام می‌دهد؟ در «مردم‌نگاری سیاست‌گذاری»^۳ (دوبویس^۴ ۲۰۱۷) مردم‌شناسان مردم‌شناسان اجتماعاتی را به مرکز توجه می‌آورند که تحت تأثیر اجرای سیاست‌ها قرار گرفته‌اند و نیز بر شیوه‌هایی که در آنها این مردمان در برابر سیاست‌ها مقاومت کرده، به نزاع با آنها برخاسته و ارزیابی‌شان می‌کنند. حالا بسیاری از آثار مردم‌نگارانه نه تنها بر سیاست‌گذاری به خودی خود بلکه بر کردار مادی و ملموس بوروکراسی‌های اجراکننده سیاست‌ها تمرکز می‌کنند. موضوعات متنوعی هدف سیاست‌گذاری است مثل مواد مخدر، حقوق بشر، فقر و حاشیه‌نشینی، توسعه، طبیعت، مهاجرت، اقوام و بسی موضوعات دیگر (برای نمونه‌هایی از آثار مردم‌نگارانه نگاه کنید به: لی^۵ ۲۰۰۷؛ متیوس^۶ ۲۰۱۱؛ گوپتا^۷ ۲۰۱۲؛ هال^۸ ۲۰۱۲).

در تحقیق مردم‌شناختی من، محله تاریخی راستاکوچه، همچون ابژه‌ای برای اجرای سیاست توسط مجموعه‌ای از دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و عمومی مثل شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، اداره کل میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی و شهرداری تبریز واقع شده است. اینجا سیاست‌ورزی به معنای هر نوع فعالیتی است که به اداره کردن امر عمومی بازمی‌گردد، شامل تصویب قوانین و ضوابط، اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها و دادن وعده‌ها. عمل سیاست‌گذارانه هم شکل مکتوب داشته است و هم شکل شفاهی، حرفی که مقام دولتی و عمومی در میان مردم یا در اداره می‌زند. هر گونه فعلی که از سوی صاحبان پست‌های این

1. policy making

2. Tate

3. policy ethnography

4. Dubois

5. Li

6. Mathews

7. Gupta

8. Hull

نهادهای صادر می‌شود را همچون نیرویی مطالعه کرده‌ام که به‌طور مستقیم وارد جهان اجتماعی محله‌های مورد مطالعه و زندگی مردمانش شده‌اند.

پیشینه تجربی تحقیق

مطالعات مربوط به بررسی اثر سیاست‌گذاری‌های نهادهای رسمی بر اجتماعات محلی در بافت‌های تاریخی تبریز بسیار محدود بودند. این مطالعات عمدتاً از دیدگاه مطالعات شهری و رویکردهای معماری انجام گرفته‌اند.

پورسراجیبیان (۱۳۹۴) در مقاله «ارزش‌های محله تاریخی و معیارهای تغییر در آن از نظر ساکنان» با مصاحبه با ساکنان این محله‌ها در یزد، اولویت‌های متفاوت مردم و متخصصان را نشان می‌دهد؛ اهمیت ابعاد اجتماعی و انسانی ارزش‌ها در مقایسه با ابعاد کالبدی و اقتصادی، نگاه از درون به محله، و مشارکت مردم.

قره‌بیگللو و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله «معماری میان‌افزا؛ رویکردی میان‌رشته‌ای برای طراحی در بافت تاریخی: نمونه موردی مجموعه تجاری مشروطه در بافت تاریخی بازار تبریز» ساختارهای جدید افزوده‌شده به بافت تاریخی (مورد مجموعه تجاری مشروطه در بافت تاریخی بازار تبریز) را از منظر حفاظت دارای رویکرد مرمت شهری، از منظر شهرسازی دارای رویکرد توسعه پایدار و نوشهرگرایی، و از منظر معماری دارای رویکرد معاصر سازی تلقی کرده‌اند.

دهقان ریک‌آبادی و فراهانی (۱۴۰۰) در مقاله «ارزیابی پیامدهای مداخلات کلان‌مقیاس شهری در بافت تاریخی با تأکید بر اثرات اقتصادی: نمونه موردی بافت حوزه بلافصل مجموعه صاحب‌الامر شهر تبریز» با بررسی تأثیر اجرای پروژه‌های توسعه‌ای کلان‌مقیاس در بافت تاریخی تبریز نشان می‌دهند این پروژه‌ها منجر به افزایش اختلاف قیمت بین املاک مسکونی و تجاری و کاهش ارزش سکونت در بافت، از بین رفتن هم‌پیوندی بافت، عدم موفقیت در جذب سرمایه و فعالیت اقتصادی شده‌اند.

مطالعات خارجی نیز کمتر با رویکرد مردم‌نگارانه به مسئله پرداخته‌اند. دوراتلی^۱ (۲۰۰۵) «احیای بخش‌های تاریخی شهر: مدلی برای تعیین مرتبط‌ترین رویکرد استراتژیک» در شهرهای اروپایی را بررسی می‌کند. او به این نتیجه می‌رسد که بدون چارچوب قوی و موثر سازمانی، اداری، قانونی و مالی و نیز حمایت عمومی از رویکرد نوسازی، اقدام‌ها موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

همچنین شانگ سانگ^۲ (۲۰۱۰) در «اثرات سیاست بازسازی در بخش‌های تاریخی شهر در انگلستان (۱۹۹۷-۲۰۱۰)»، دلایل موفقیت‌آمیز بودن طرح‌های بازسازی را به قرار زیر

1. Doratli

2. Song

برمی‌شمارد: درگیر کردن مردمان خود بافت تاریخی، بهبود وضعیت فیزیکی و کالبدی، استفاده از استراتژی‌های چندکارکردی و چند استراتژی، نیاز به بازبینی، ارزیابی و بهبود مستمر، تضمین آینده طولانی‌مدت پایدار.

مطالعات همگی نشان می‌دهند که سیاست‌گذاری‌هایی که نسبت به امر محلی و سبک زیست مردم بی‌تفاوت بوده‌اند، نه به دنبال احیای ارزش‌های درونی بافت‌های تاریخی، بلکه به منافع بازار می‌اندیشیدند. پژوهش من نیز دقیقاً به دنبال آن است تا آشکار سازد که چگونه سیاست‌گذاری‌های نهادهای رسمی در عین زندگی تجسم یافته و سرنوشت محله‌ی راستاکوچه را تغییر داده‌اند.

روش‌شناسی

روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع روش‌شناسی‌های کیفی است. مسئله پژوهشی من، بررسی اثرات سیاستگذاری بر اجتماعات محلی بود؛ لذا از ترکیبی از روش‌های مردم‌نگاری و مطالعات اسنادی استفاده کرده‌ام. برای مشاهده کردار عاملین نهادی و فضای زیسته در محله‌ها از روش مردم‌نگاری و فنون آن شامل حضور در میدان، مشاهده و گفت‌وگو بهره برده‌ام و برای استخراج قوانین مربوط به سیاستگذاری‌ها از روش مطالعات اسنادی استفاده کرده‌ام.

جامعه مورد مطالعه من محله تاریخی راستاکوچه است. در طرح‌های جامع شهری، این محله جزء بافت تاریخی تبریز قلمداد شده است، برای همین ذیل ضوابطی قرار گرفته که برای توسعه و عمران در بافت‌های واجد ارزش تاریخی و فرهنگی لازم‌الاجرا هستند. بیشترین تأثیر سیاستگذاری‌ها بر روی خود بارو رخ داده است: حصار تاریخی یا باروی قدیمی تبریز که هنوز هم رد فیزیکی آن وجود دارد و درب گجیل را با درب استانبول وصل می‌کند. هرچند دیگر خبری از برج و باروی قدیمی نیست، اما در فرم فیزیکی آن حدود ۲۰۰ خانه و مغازه قدیمی جای گرفته‌اند، در باریکه‌ای طولانی مابین دو خیابان مارییچ (محمودزاده و بهرامی) از جنوب غرب تا شمال شرق.

تکنیک اصلی جمع‌آوری داده‌ها، مشاهده مستقیم و حضور یا مشاهده‌ی مشارکت‌آمیز بود. اقلام مشاهده عبارت بودند از: خانه‌ها و بناها، گذرها، کوچه‌ها، خیابان‌ها. این مشاهدات از اردیبهشت ۱۴۰۲ شروع شد و تا خرداد ۱۴۰۳ ادامه داشت. پژوهش میدانی مردم‌نگارانه به دنبال پیشینه کردن اعتبار («درجه‌ای که مشاهدات علمی عملاً چیزی را که می‌خواهند اندازه بگیرند را اندازه گرفته یا ثبت می‌کنند») است، نه پایایی («تکرارپذیری مشاهدات علمی، شامل تکرارپذیری بین‌شخصی») (پلتو و پلتو، ۱۹۷۸: ۳۳). اعتبار داده‌ها را بر اساس مثلث‌بندی تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌ها (فترمن، ۲۰۱۵: ۱۸۹) انجام دادم: وقتی که مشاهدات می‌توانستند گفت‌وگوها را ارزیابی کنند یا حضور مشارکتی محقق می‌توانست موارد گفته‌شده یا ادعا شده در کلام مردم را ارزیابی نماید.

یافته‌های پژوهش

در بخش یافته‌های مقاله، ابتدا سیاست‌گذاران و تعریف‌هایشان را مرور خواهیم کرد تا لحظه‌ها و نحوه تأسیس قوانین و ضوابط مربوط به سایت میدانی‌ام را ببینید. سپس، با تسلط قانون‌مند نهادها در ذهن، با حضور در میدان سیما و وضعیت امروزی محله‌های تاریخی را از نزدیک مشاهده کنیم، به‌عنوان اثرات فیزیکی سیاست‌گذاری‌ها.

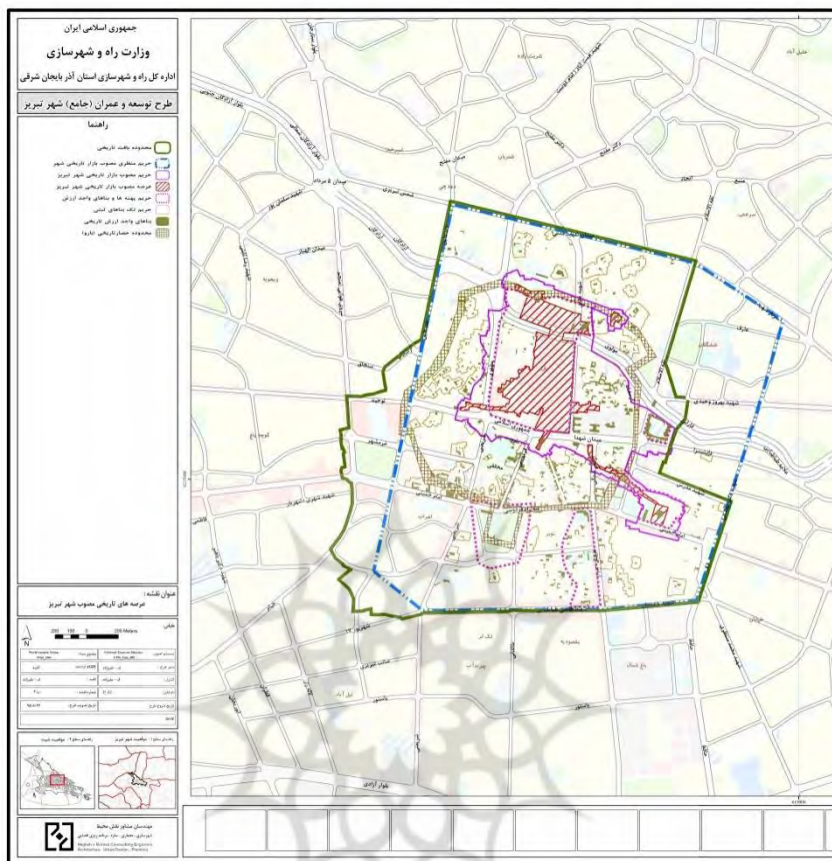
الف) در حریم بازار، در محدوده تاریخ: سیاست‌گذاران از محلی تا ملی و بین‌المللی

۱. طرح‌های جامع شهر تبریز

فکر مراقبت و حفاظت از بافت‌ها، محله‌ها و آثار تاریخی در قالب طرح‌های جامع شهری، ثبت آثار، تصویب قوانین و ضوابط و تنظیم آیین‌نامه‌ها طی حدود نیم قرن گذشته بر زندگی و ارتباط با محله‌های مورد مطالعه من تأثیر عمیقی گذاشته است. طرح جامع اول تبریز که سال ۱۳۴۹ توسط خارجی‌ها تهیه می‌شود، سیاست کاهش تراکم را در محدوده بازار تاریخی به‌عنوان یک اصل مهم مطرح می‌کند. بازار به‌عنوان بزرگترین بافت باقیمانده از تاریخ تبریز بوده که بر محافظت از شعاع و حریم آن تأکید می‌گردید. در واقع، راستاکوچه همچون بسیاری از محله‌های تاریخی در شعاع بازار و درون باروی قدیمی، یک مجموعه منسجم را با بازار می‌ساخت.

مهندسین مشاور عرصه کار مطالعاتی روی طرح جامع دوم تبریز را از سال ۱۳۶۵ شروع می‌کنند ولی تصویب آن تا فروردین ۱۳۷۴ طول می‌کشد. مجدداً برای جلوگیری از کاهش نقش بازار تاریخی، این طرح هم تأکید می‌کند که تراکم محدوده مرکزی شهر کنترل شده و بارگذاری تجاری جدید روی ندهد. شورای عالی معماری و شهرسازی ایران در سال ۱۳۶۹ طبق مصوبه‌ای تبریز را به‌عنوان یکی از شهرهای تاریخی معرفی می‌کند. مهندسین مشاوران عرصه طرح ویژه بافت تاریخی و نقشه آن را مصوب می‌کنند اما ضوابط کالبدی تهیه‌شده آن هیچ‌گاه ابلاغ نمی‌شود.

مهندسین مشاور نقش محیط کار مطالعاتی طرح جامع سوم شهر تبریز را برای اداره کل راه و شهرسازی استان انجام می‌دهند که در آبان ۱۳۹۵ مصوب می‌شود. یکی از نقشه‌های این طرح برای پژوهش من اساسی است. در این نقشه، محدوده مرکزی بافت تاریخی با ۵۰۰ هکتار با خطی به رنگ زیتونی مشخص می‌شود که حد غربی آن روی خیابان ملل متحد (فلسطین) تنظیم شده است، بیرون از بارو و شامل محله ایکی‌قالا. به این ترتیب ایکی‌قالا هم جزو بافت تاریخی محسوب می‌شود. منظر بازار با خطی به رنگ آبی هم در سمت غرب درست منطبق است با خیابان ملل متحد و باز هم ایکی‌قالا را در بر می‌گیرد. حریم بازار طبق نقشه‌ای تنظیم شده قبلاً به یونسکو اعلام شده بود. در طرح جامع سوم همراستا با طرح‌های اول و دوم، تأکید می‌شود که محدوده بافت تاریخی توان بارگذاری جدید کمی به لحاظ سکونتی و ترافیکی را ندارد.



تصویر شماره ۱: نقشه عرصه‌های تاریخی مصوب شهر تبریز
(مهندسين مشاور نقش محیط، ۱۳۹۵)

۲. شورای بین‌المللی آثار و سایت‌های تاریخی

علاوه بر بازیگران محلی و ملی، یک بازیگر بین‌المللی هم وارد لایه‌های سیاست‌گذاری در بافت تاریخی تبریز می‌شود. مرداد ۱۳۸۹ بازار بزرگ تبریز به‌عنوان یکی از میراث جهانی ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت می‌رسد. دفتر پایگاه جهانی مجموعه بازار تاریخی تبریز جهت انجام فعالیت‌های لازم برای حفظ این میراث در تبریز تأسیس می‌گردد. یونسکو ضوابط بالادستی معینی را تعیین می‌کند و ایران متعهد به اجرای آن در محدوده ۲۷ هکتاری عرصه بازار، محدوده ۱۷۷ هکتاری حریم بازار و محدوده ۴۰۰ هکتاری منظر بازار می‌گردد. حریم و منظر بازار، محله‌های قدیمی و تاریخی اطراف شعاع بازار را در بر می‌گیرند. شورای بین‌المللی آثار و سایت‌های تاریخی (ایکوموس)^۱ متعلق به سازمان میراث جهانی، در پرونده ثبت جهانی

1. ICOMOS

بازار تبریز توصیه کرده تا دولت به چند مورد توجه کند، از جمله «تنظیم و اجرای اصولی برای محافظت، احیا، نوسازی و طراحی خوب برای ساختمان‌های جدید در نواحی نزدیک به بازار» و «تضمین کنترل سخت‌گیرانه بر مجوزهای ساخت‌وساز در عرصه و حریم معرفی شده برای کاستن از تهدیدات ناشی از توسعه ساخت‌وساز» (ایکوموس، ۲۰۱۰: ۱۴۳).

در نقشه‌ای که توسط سازمان میراث فرهنگی به ایکوموس داده شده، نقشه‌ای که در سال ۲۰۰۹ در سایت آن به نمایش درآمده، ضوابط تعیین شده برای حریم بازار که با خط آبی مشخص شده به شرح زیر است: ۱- همه فعالیت‌های بازسازی شامل ترمیم، احیا، نوسازی، سازماندهی مجدد یا تغییر کارکرد تمام یا بخشی از آثار بدون اجازه سازمان میراث فرهنگی (پایگاه) ممنوع است. ۲- حداکثر ارتفاع ساخت‌وساز از کف زمین تا سقف ۷.۵ متر با حداکثر دو طبقه است. همه ساخت‌وسازها باید به تأیید سازمان میراث فرهنگی (پایگاه) برسند. ۳- طرح‌های معماری و ظاهر بیرونی ساختمان‌هایی که انسجام بصری با این محدوده دارند باید با ساختمان‌های مجاور مطابقت یابند. ۴- همه طرح‌های توسعه شهری باید در مرحله انجام به تأیید سازمان میراث فرهنگی (پایگاه) برسند.

حریم بازار در این نقشه فقط لبه‌هایی از جداره راستاکوچه را در بر می‌گیرد و چندان به عمق محله‌ها و نزدیکی رد بارو نمی‌رسد. در محدوده ۱۷۷ هکتاری حریم ساخت‌وسازهای جدید نباید از ارتفاع بنای بازار تاریخی مرتفع‌تر باشند. بنابراین، نمی‌توان ساختمانی با سبک رایج ساختمان‌سازی امروزی، بیش از یک پیلوت و یک طبقه ساخت. قرار گرفتن راستاکوچه در حریم و منظر بازار بود که آنها را تحت سیاست‌گذاری‌ها قرار داد. وزارت میراث فرهنگی دستورالعمل اجرایی تعیین حریم آثار ملی را ابلاغ می‌کند. «حریم اثر فرهنگی، تاریخی و طبیعی ضمن حفاظت از یکپارچگی و موجودیت اثر، پیوند آن را با بستر و محیط پیرامون تضمین می‌نماید. حیات اثر ملی در گرو پایداری عامل‌های کالبدی، کارکردی و معنایی واقع در حریم اثر است و بی‌توجهی به حریم آن می‌تواند به گسست اثر از محیط و گاه نابودی آن منجر گردد» (وزارت میراث فرهنگی، ۱۳۹۸: ۱).

۳. شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در زمان تصویب طرح جامع سوم، مصوبه‌ای را گذراند. مصوبه شورا در خصوص طرح جامع شهر تبریز که ۱۵ آذر ۱۳۹۵ ابلاغ می‌گردد، در مورد «بافت‌های تاریخی شهر»، بندهای زیر را آورده است:

بند ۲۲. به جهت اهمیت و حفظ یکپارچگی و اصالت بافت تاریخی و همچنین با توجه به آسیب‌ها و تغییرات چند سال گذشته در بافت تاریخی شهر تبریز مقرر می‌گردد طرح ویژه بافت تاریخی در محدوده ابلاغ شده توسط شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

با رعایت ضوابط مصوب ثبت جهانی بازار و با تأکید بر آسیب‌شناسی روندها و اقدامات گذشته، توسط شرکت عمران و بهسازی شهری ایران با همکاری شهرداری و سازمان میراث فرهنگی در مدت ۱۰ ماه آینده تهیه و جهت تصویب نهایی به شورای عالی شهرسازی و معماری ایران ارسال گردد.

بند ۲۶. اداره کل میراث فرهنگی استان موظف است نسبت به شناسایی، ثبت و مستندسازی کلیه آثار تاریخی، تعیین و تدقیق حرایم، ارائه راهکارهای تجدید بنای آثار تاریخی و جداره‌های ثبتی تخریبی، ارائه ضوابط ساخت‌وساز، مرمت، احیاء، بهسازی، نوسازی و بازسازی و تدقیق ضوابط حفاظت از آثار شناسایی‌شده با نگاه استفاده سودمند اجتماعی اقدام و نتایج را در طرح تفصیلی شهر تبریز لحاظ نماید.

نهاد مسئول در خصوص طرح‌های تفصیلی کمیسیون ماده ۵ شهرداری است. این کمیته که در معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تبریز مستقر است، وظیفه بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آن‌ها را بر عهده دارد. تغییرات نقشه‌های تفصیلی اگر در اساس طرح جامع شهری مؤثر باشند، باید به تأیید شورای عالی شهرسازی و معماری، مستقر در وزارت راه و شهرسازی، برسند. برخی از صورت‌جلسه‌های کمیسیون مشهور به «ماه ۵» را از سایت شهرداری تبریز پیدا کردم. اعضای کمیسیون ماه ۵ استان آذربایجان شرقی بر اساس امضاهای پای این صورت‌جلسه‌ها عبارتند از استاندار، معاون امور عمرانی استانداری، شهردار شهر، رئیس سازمان جهاد کشاورزی، رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، مدیر کل راه و شهرسازی استان، رئیس شورای شهر و دبیر کمیسیون.

بعد از گذشت دو سال، در سال ۱۳۹۷، طی توافقی میان اداره میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی و وزارت راه و شهرسازی، مقرر می‌شود اداره کل میراث این طرح ویژه را اجرایی کند. اداره میراث کار مطالعاتی این طرح ویژه را به مهندسین مشاور عمارت خورشید سپرده است. تابستان ۱۴۰۲ که به دفتر این مشاور رفتم آنها در حال انجام مطالعات و پژوهش‌های خود بودند. اکنون که اوایل زمستان ۱۴۰۲ است، هیچ طرحی نهایی نشده و هیچ ضابطه‌ای در خصوص نحوه عمل دستگاه‌ها و تعیین تکلیف نحوه ساخت‌وساز اعلام نشده است. نه ۱۰ ماه بلکه اکنون بیش از ۷ سال است و هیچ طرح ویژه‌ای برای بافت تاریخی نهایی نشده که مبنای عمل مسئولین و مردم باشد. احد نژادابراهیمی، مدیر عامل انجمن دوستداران میراث فرهنگی آذربایجان شرقی، بنا بر تجربه و عضویتش در کمیته‌های فنی می‌گوید: «تلاش‌ها و پیگیری‌ها برای تهیه این مصوبه فقط و فقط در برگزاری نشست‌ها و جلسات خلاصه شده و خروجی مثبت و روشنی نداشته و مدام تمدید می‌شود.» (ایسنا، آذر ۱۳۹۹).

۴. قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی - فرهنگی

در فقدان تحرک سیاست‌گذاری در سطح محلی از ۱۳۹۵ به بعد، در سطح ملی «قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی - فرهنگی» در تیر ۱۳۹۸ توسط مجلس تصویب شده و جهت اجرا به دولت ابلاغ می‌گردد که می‌توان آن را آخرین چارچوب موجود سیاست‌گذاری رسمی دانست. به خاطر اهمیت این قانون اینجا به‌طور مفصلی به محتوای آن می‌پردازم. ماده ۱ قانون مفاهیم کلیدی را تعریف می‌کند.

حفاظت: کلیه فعالیت‌های پسینی و پیشینی در خصوص پاسداری از ارزش‌های مادی همچون بناهای تاریخی. مرمت: عملیات تخصصی و همه‌جانبه (کمی و کیفی) که هدف آن حفظ، بیان و آشکار کردن ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و زیبایی‌شناختی یک اثر با لحاظ اصالت و یکپارچگی آن است و مراحل گوناگونی اعم از تداوم، تثبیت و استحکام‌بخشی تا بازگردانی وضعیت موجود به وضعیت اصیل و پایدار را شامل می‌شود. احیاء: فرآیندی هدفمند از مجموعه اقدامات را شامل می‌شود که به منظور حفاظت و ارتقای کیفی با حفظ اصالت و یکپارچگی در بافت‌های تاریخی - فرهنگی انجام می‌شود. صیانت: کلیه فعالیت‌های پسینی و پیشینی در خصوص پاسداری از ارزش‌های معنوی است همچون ارزش‌های بناهای معنوی که مربوط به تاریخ و فرهنگ یک کشور باشد. حمایت: بسترسازی مناسب برای توانمندسازی مالکان و بهره‌برداران و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان بافت‌های تاریخی - فرهنگی.

ماده ۲ این قانون به منظور حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی - فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی را مکلف می‌کند تا

الف) با همکاری وزارتخانه‌های راه و شهرسازی، کشور و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون نسبت به تهیه چهارچوب طرح‌های ویژه حفاظت و احیای بافت‌های تاریخی - فرهنگی (از جمله تعیین حریم‌ها) با رویکرد صیانت از ارزش‌های تاریخی - فرهنگی و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان این محدوده‌ها با رعایت حقوق مالکانه و در چهارچوب قوانین و مقررات ذی‌ربط اقدام کند. ب) ظرف مدت یک سال پس از تصویب این قانون، دستورالعمل‌های مورد نیاز برای مدیریت بهره‌برداری، نگهداری و پشتیبانی بناها، اماکن و بافت‌های تاریخی - فرهنگی با اولویت واگذاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی را تهیه و ابلاغ کند.

وزارت میراث فرهنگی نه ۶ ماه بلکه حدود دو سال بعد در نهم خرداد ۱۴۰۰، «نقشه‌های محدوده‌های بافت تاریخی - فرهنگی شهر تاریخی تبریز به همراه ضوابط ملاک عمل این دستگاه در محدوده بافت‌های تاریخی شامل ضوابط حفاظت از بافت‌های تاریخی کشور و الزامات، راهبردها و چارچوب‌های کلی حفاظت و احیای بافت‌های تاریخی کشور» را به استاندار

آذربایجان شرقی ابلاغ می‌کند. مطالعات اسنادی و میدانی من در مورد نهادهای به رویت هیچ چهارچوبی نرسید که تدارک دیده شده باشد. به نظر می‌رسد، اداره میراث همان وضعیت گذشته و ضوابط محدودیت ارتفاع را به عنوان چهارچوب می‌شناسد. در واقع، کار فکری و عملی مشخص و جدیدی صورت نگرفته است. منظور از این ابلاغ آن بوده که تسلط میراث حفظ گردد: «اظهارنظر و موافقت نهایی وزارت میراث فرهنگی در کلیه طرح‌های توسعه و عمران شهری و انجام استعلامات ساخت‌وساز در راستای حفظ و احیای این محدوده‌ها، طبق مفاد بندهای ۱۰، ۱۱ و ۱۲ ماده سوم قانون اساسنامه میراث فرهنگی، همچنین مطابق با آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۶۶ برنامه سوم توسعه کشور، تنفیذی ماده ۱۱۵ برنامه چهارم مصوب هیئت وزیران و نیز ماده ۱۰۲ قانون شهرداری‌ها مد نظر قرار داشته و لازم الاجراست» (ایرنا، ۱۴۰۰). در مورد نقشه محدوده بافت تاریخی شهر تبریز هم کار تازه‌ای صورت نگرفته بوده چراکه نقشه‌ای که قبلاً در ۲۴ اسفند ۱۳۸۸ از سوی میراث ابلاغ شده بود ارسال می‌گردد. همچنین، در مورد حدود ۵۰ بنا و خانه تاریخی که در نقشه عرصه‌های تاریخی مصوب در طرح جامع سوم مشخص شده، اداره میراث نه تنها خود هیچ اقدام معینی برای نگهداری انجام نداده بلکه بخش غیردولتی را نیز فعال نکرده است. با این وضعیت بی‌عملی، ولی با قفل کردن بافت تاریخی، طبیعتاً حمایتی از ساکنان و مالکان و ارتقاء کیفیت زندگی هم صورت نگرفته است.

ماده ۳ قانون، مثل مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری، بر تهیه طرح‌های ویژه تأکید دارد. این قانون وزارت راه و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی را مکلف می‌کند تا

با همکاری میراث فرهنگی و شهرداری‌ها در مدت پنج سال پس از تصویب این قانون نسبت به تهیه، تصویب و اجرای طرح‌های ویژه حفاظت و احیای محدوده بافت‌های تاریخی- فرهنگی حسب مورد از طریق شورای عالی شهرسازی و معماری یا کمیسیون‌های ماده ۵ اقدام کنند. تبصره: رعایت حقوق مالکانه مردم و سایر حقوق قانونی و شرعی در اجرای مواد ۲ و ۳ این قانون الزامی است.

حالا که اواخر اردیبهشت ۱۴۰۳ در حال نگارش متن نهایی این مقاله هستم، مهلت پنج‌ساله تا یک ماه دیگر تمام می‌شود درحالی‌که هنوز طرح ویژه تهیه نشده است، چه رسد به تصویب و اجرا. در ادامه، ماده ۸ قانون با در نظر گرفتن همپوشانی بافت‌های تاریخی و بافت‌های فرسوده تنظیم شده است:

در مواردی که حریم بناها و محدوده بافت‌های تاریخی- فرهنگی موضوع این قانون در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری موضوع «قانون حمایت از احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری» (۱۳۸۹) قرار داشته باشد، به نسبت سهم مساحت این بناها و بافت‌ها از کل مساحت بافت‌های فرسوده، اعتبارات، تسهیلات و امتیازات موضوع قانون مذکور با رعایت ضوابط حفاظت از بافت‌های تاریخی- فرهنگی به حریم بناها و محدوده بافت‌های تاریخی- فرهنگی نیز اختصاص می‌یابد.

طبق عملکرد اداره کل میراث می‌توان تشخیص داد که این نهاد محله‌ای راستاکوچه را به‌عنوان بافت تاریخی شناسایی می‌کند نه بافت فرسوده. درحالی‌که همین محله‌ها در نقشه موجود در سایت شهرداری جزء قلمرو بافت‌های فرسوده هم محسوب می‌شوند. گفت‌وگوهای من با مردمان محلی نشان می‌دهد که در جدال بین نهادها، گویا میراث دست بالا را گرفته است، چون آنها خود را از آن‌جا مانده از اینجا رانده می‌دانند: نه می‌توانند در حریم بافت تاریخی ساخت‌وساز بکنند و نه می‌توانند از تسهیلات بانکی بافت فرسوده استفاده کنند.

ماده ۹ قانون با تأکید بر رعایت عدالت شهری در مورد ساکنان محله‌های تاریخی نوشته شده است:

کلیه دستگاه‌های اجرائی مکلفند برنامه‌های خود در ارتباط با رفع نیازهای موجود در حوزه‌های خدماتی، تجهیزاتی و نیز زیرساخت‌های مورد نیاز برای ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی- فرهنگی هر شهر را ظرف مدت ۶ ماه پس از تصویب شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان به مورد اجراء گذارند. اجرای برنامه فوق باید به گونه‌ای باشد که بر اساس بودجه سنواتی، حداکثر ظرف مدت ۱۰ سال از تصویب این قانون، سطح خدمات و تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز این محدوده‌ها از سطح میانگین شهر ذی‌ربط پایین‌تر نباشد.

نه ۶ ماه بلکه بیش از ۴ سال گذشته ولی طرح و اقدام معینی از سوی دستگاه‌ها برای توزیع عادلانه امکانات و سرانه‌های شهری مثل مدارس و فضای سبز و ایجاد تجهیزات ایمنی اجرایی نشده است. برای همین است که بسیاری از اهالی، محله را سکونت‌ناپذیر می‌دانند. بر اساس ماده ۱۴ این قانون شهرداری‌ها و شورای اسلامی شهرهای دارای بافت تاریخی- فرهنگی مصوب را مکلف می‌کند تا «در تخصیص بودجه عمرانی سالانه شهر، بافت‌های مذکور را در اولویت قرار دهند». محله‌ی راستاکوچه به‌طور کاملی رها شده، چه رسد به اینکه در اولویت قرار بگیرد.

در نهایت، ماده ۱۱ این قانون، مفهوم بسیار مهم جبران را پیش می‌کشد، مفهومی مطلقاً غایب در رویکرد نهادهای محلی در شهر تبریز: «دولت مکلف است از طریق نهادهای ذی‌ربط در تعیین مقررات مربوط به طرح‌های توسعه و عمران، تدابیر و اقدامات جبران محدودیت‌های اعمال‌شده از قبیل تراکم در خصوص املاک واقع در محدوده بافت‌های تاریخی- فرهنگی موضوع این قانون را پیش‌بینی کند.»

۵. وزارت میراث فرهنگی

همچنان در بی‌عملی نهادهای دولتی محلی، این وزارت میراث است که از بالا ضابطه ارتقاعی را به‌طور آشکارا بیان می‌کند: «در محدوده املاک مجاور عرصه آثار ملی، هر گونه ساخت‌وساز به ارتفاع بیش از ارتفاع بام اثر ملی ممنوع است» (وزارت میراث، ۱۳۹۹: ۲). محمدحسن طالبیان در

گفت‌وگو با خبرنگار میراث/آریا می‌گوید، «بر اساس این ضوابط ابلاغی، در محدودهٔ املاک مجاور عرصه بناهای تاریخی و فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی، مستحذات نباید ارتفاعی بیش از ارتفاع بام اثر ملی داشته باشند.» و اضافه می‌کند، «برای تدوین این ضوابط و شرح و بسط موارد متعدد آن متناسب با شرایط مختلف، شورای حریم کشور طی چندین جلسهٔ تخصصی بر اساس پیشنهادهای کارشناسی جمع‌بندی لازم را انجام داده است و پس از تشریفات اداری این ضوابط همزمان با هفتهٔ میراث فرهنگی از سوی وزیر ابلاغ شده است.» معاون میراث فرهنگی کشور ابراز امیدواری می‌کند، «به دلیل جامعیت این ضوابط، برای کل بناهای ثبت شده در فهرست آثار ملی، انتظار می‌رود بیش از پیش شاهد حفاظت و پاسداری از حریم این نوع از آثار در محدودهٔ املاک مجاور آن‌ها باشیم.» (میراث/آریا، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۹).

تخلفات ساخت‌وساز مستوجب مجازات اعلام می‌شود. معاون اداره کل میراث فرهنگی استان می‌گوید، «هر گونه تعدی و تجاوز به حریم آثار تاریخی و یا خود اثر طبق قانون مجازات اسلامی، جرم بوده و مادهٔ ۱۰۲ قانون شهرداری‌ها نیز در این خصوص می‌گوید هر گونه ساخت‌وساز در حریم، محدوده و بافت تاریخی باید با کسب مجوز از اداره کل میراث فرهنگی انجام شود. بندهای ۱۰، ۱۱ و ۱۲ مادهٔ سوم قانون اساسنامهٔ وزارت میراث فرهنگی مصوبه سال ۱۳۶۷ هم بر ضرورت کسب مجوز از میراث فرهنگی در صلاحیت تعیین حریم بناها و محوطه‌ها و رعایت ضوابط ابلاغی توسط شهرداری‌ها و دستگاه‌ها تاکید می‌کند.» او ممنوعیت‌های ساخت‌وساز در بافت تاریخی را جدی مطرح می‌کند، «در نامهٔ دادستان تبریز به شهردار تبریز آمده است مجوزی برای ساخت‌وساز در عرصه، حریم و بافت تاریخی و اجازهٔ تخلف ندهید.» (ایسنا، آذر ۱۳۹۹).

مجموعهٔ وسیعی از نهادهای دولتی و متخصصان شهری طی حدود نیم قرن گذشته درگیر حساسیت به بافت‌ها، محله‌ها و آثار تاریخی بوده‌اند، و مرزهای حریم و منظر را تعیین کرده‌اند و ضوابطی را اعلام نموده‌اند. تشخیص و مرزگذاری آن بوده که جداره‌های شرقی محله‌ی راستاکوچه به دلیل قرار گرفتن در حریم بازار و جداره‌های غربی‌اش که درون باروی قدیمی قرار می‌گیرد ذیل ضوابط میراث درآیند. همچنین کل محلهٔ ایکی‌قالا با وجود آنکه بیرون از باروست در محدودهٔ بافت تاریخی قرار داده می‌شود و به این ترتیب آن محله نیز ذیل همین ضوابط قرار می‌گیرد. این چنین بود که سیاست آل قویوب با پیشقراولی میراث فرهنگی نضج گرفت. کار میدانی یک مردم‌شناس می‌تواند نشان دهد که نتیجهٔ این سیاست مادر، زاییدهٔ آن بودند چه بوده است؟ نگاهی به سیمای کنونی محله‌ها روشن‌گر خواهد بود.

ب) پس از سیاست‌گذاری: زنده کردن یا میراندن

محلی‌ها وقتی بخواهند به رکود زندگی اجتماعی و فرسودگی بافت کالبدی در این‌سوی بارو در محله‌ی راستاکوچه اشاره کنند می‌گویند «آل قویوب»، یعنی «دست گذاشته است». می‌پرسم چه کسی؟ جواب می‌دهند «میراث». منظورشان از کلمه‌ی میراث، اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان آذربایجان شرقی است. و بعد معنای آل قویوب را می‌پرسم. معنایش آن است که کسی نمی‌تواند در بافتی که به‌عنوان بافت تاریخی در محدوده‌ی داخل باروی قدیمی تبریز شناخته می‌شود، ساخت‌وسازی بدون اجازه‌ی اداره‌ی میراث انجام دهد. آنچنانکه بسیاری از گفت‌وگوهای میدانی من با اهالی نشان می‌دهد، شهرداری منطقه‌ی ۸ هر گونه پروانه ساخت را منوط به کسب مجوز از میراث کرده است. در اینجا میراث تحت ضوابط و شرایط معین و متفاوتی از سایر نقاط شهری به ساختمان‌سازی مجوز می‌دهد.

۱. خانه‌های رو به ویرانی

اگر پرسه‌هایی مردم‌نگارانه در محله‌ی تاریخی راستاکوچه بزنیم، شاهد آن خواهیم بود که در پس این همه سیاست‌گذاری‌ها برای حفاظت و حمایت، در عمل چه اتفاقی افتاده است. یک خانه که از تو کاملاً تخریب شده است. سیمان‌ها از شیار بیرون آجرها کنده شده و بیرون ریخته‌اند. روی این در، گل لاله کار شده است. کاسه‌ی سر و برگ‌های لاله لایه‌ای ضخیم از چرک گرفته‌اند، گویی که کسی عمداً این چرک‌ها را به در مالیده باشد. روی در یک قفل آویزی است. پنجره‌ی بالای در شکسته است. دو پنجره‌ی بزرگ روی دیوار بیرونی کار گذاشته شده‌اند و پنجره‌های هر دو شکسته‌اند. بر روی شکستگی‌ها غبار غلیظی نشسته است. آجرهای بالای پنجره‌ها لق شده‌اند و دو ناودانی از دل‌شان بیرون زده است. رفتم نزدیک‌تر. اوه اوه! از پشت پنجره می‌بینم که سقف چوبی خراب شده است روی نشیمن. از پشت بام، حفره‌ی بزرگی دهان باز کرده و نورگیر عظیمی پدید آورده است. درهای چوبی اتاق‌ها همه روی هم فرو افتاده و در هم شکسته‌اند. خاک و گردهایش جان خانه را به تسخیر درآورده‌اند. فقط ستون‌هایی از گچ در چهار نقطه استقامت کرده‌اند و چهارستون خانه را با تیرکی چوبی از بالا نگه داشته‌اند.

این اولین خانه‌ی ویرانی بود که دیدم. روزهای بعد که تک تک خانه‌ها را بررسی کردم، به موردی بیشتری از این نوع خانه‌های ویران‌شده برخورددم. اما درحالی‌که دیگر خانه‌ها تخریب شده بودند، این خانه به تدریج فروریخته بود. این خانه نشانه‌ای بود از وانهادن. خانه برای صاحب یا صاحبانش واجد هیچ ارزش و اهمیتی نبوده است.

۲. مخروبه‌های رو به تزاید

برویم به راستاکوچه. خیابان محمودزاده، کوچه دوم پس از بندچی محمد. عرض این کوچه هم تقریباً مثل قبلی است. از این کوچه موتور به سختی عبور می‌کند، چه رسد به ماشین. دارم فکر می‌کنم که ماشین‌رو نبودن خانه‌ها از عوامل مهم افت ارزش مسکن خواهد بود. در انتهای بن‌بست، با عقب‌کشی یک ساختمان نوساز با روکار آجر سه‌سنتی ساخته شده است. روبرو هم خانه‌ای قدیمی است اما با سیمان سفید روکش تمیزی به ساختمان داده شده است. بین این دو خانه، یک دیوار و یک در است. آجرهای دیوار نشان می‌دهد که تازه نیستند و قدیمی‌اند. قسمتی از دیوار که ریزش کرده بوده را با گچ درست کرده‌اند. در باقی‌مانده یک در فلزی است، با پنجره‌ای بر بالای سر که شیشه ندارد. زنجیری از لنگه کوچک به لنگه بزرگ و قفلی آویزی بر آن انداخته‌اند. می‌توانم از بالای در محوطه پشتی را ببینم. یک مخروبه بزرگ که وسطش درخت بزرگی پابرجاست. درخت وسط این مخروبه در دو طرف به دو ساختمان همسایه چسبیده است: بالایش سبزی و خوبی، پایینش سیاهی و بدی. جایی کاملاً مناسب پاتوق معتادها یا بیتوته بی‌خانمان‌ها. این کوچه هم خانه‌های نوساز با روکار آجر سه‌سنتی دارد ولی دقیقاً بین این دو طرف کوچه، این در رو به مخروبه است. صدای دف زدن بر روی دار فرش از یکی از خانه‌ها می‌آید و نشان می‌دهد که هنوز تقلایی برای زیستن در محله وجود دارد.

کوچه آهنی را ادامه دادم. خانه‌ای با پارچه بیت‌الزهره، و چند در که از بیرون قفل‌های آویزی و کتابی دارند، نشان مهر و موم بودن سکونت. لوله‌های گاز از علمک قطع شده‌اند، نشان تعطیلی زندگی. جلوتر یک کوچه در سمت چپ باز شد. نبش کوچه، خانه‌ای را به‌طور کامل تخریب کرده و خاک‌برداری کرده‌اند. فقط درختان خانه در میان آوارها مانده است. برای همین کوچه چند متری عریض شده، ولی در ادامه باز هم تنگ‌تر می‌شود. انتهای کوچه خورد به یک مخروبه بزرگ: خانه‌ای که نصفش را خراب کرده‌اند. ته بن‌بست، در خانه، که حالا باید بگوییم در مخروبه، سر جایش مانده و باز بود. گربه‌ای که موهایش آتش یا برق گرفته، ماتش برده بود و به من نگاه می‌کرد. شات. عجب کوچه‌ای! ترسیدم و زودی برگشتم.

۳. درهای صدمه‌دیده

پایان این خیابان به جایی رسید که پارکینگ درست کرده بودند، درست پشت مسجد انگجی. روبرویش گاراژ چاپ قرار دارد. در میانه ساختمان‌های نوسازی که حالا اینجا بیشتر شده، یک دیوار و یک در قفل‌دار بافت را به حال و هوای قدیم برگردانده است. ردیف‌هایی از آجرها از بالای دیوار ریخته است. در کوچکی که در میانه دیوار جای گرفته به شدت زنگ زده است. شکم و سینه در آنقدر ضربه خورده که رنگ از دست داده است. فقط شکاف مربوط به درز پست سالم مانده است. نه خبری از کوبه است و نه دستگیره. یک قفل آویزی به قلاب‌های میلگردی لنگه‌ها

زده شده است. شیشه پنجره بالایی این یکی در سالم است. طرح زنگوله‌ای قدیمی از شیشه‌های مشبک است که غبار سالیان چند تایی از زنگوله‌ها را به رنگ قهوه‌ای درآورده است. لنگه بزرگ چند سانتی‌متر افتاده و دیوار پشتی از لای آن قابل مشاهده است. اگر بپریم بالا می‌توانم پشت این دیوار و در را ببینم. و می‌بینم که محوطه بسیار بزرگی است.

۴. درهای قفل‌دار در کوچه‌های تنگ

در پیچ راست کوچه، در یک خانه، چوبی و بسیار قدیمی است. طرح‌های لوزی روی شکم و ابزارکاری مثلثی روی سر در کار شده است. بالای در، پنجره‌ای با چارچوب چوبی است که با فلز طرح‌هایی رویش کار شده است: دایره‌هایی که به گرد یک دایره ترسیم شده‌اند و دو گل لاله. میان دو لنگه بزرگ و کوچک، سرستون چوبی کار شده است. گذشت زمان و کارکرد طولانی‌مدت، سیمای در را پر از کندگی‌ها و سوراخ کرده است. رنگ آبی در فقط بر ستون سردر، مابین در و پنجره، باقی مانده و در سراسر بدنه وارفته است.

قفلی که روی این در زده شده از باقی درها فرق دارد. به سبکی قدیمی میله‌ای فلزی از لنگه کوچک به لنگه بزرگ انداخته شده تا به دو سوراخ لنگه بزرگ برسد. دو قفل آویزی زرد و سیاه در اتصال گاه میله و سوراخ‌ها زده شده‌اند. این در تداعی‌گر سبک زندگی قدیمی در محله است و اکنون قفل کردنش هم با سایر درها فرق دارد.

۵. شکسته شدن رد بارو

آهنی را ادامه می‌دهم. این آهنی که نامش را کوچه گذاشته‌اند در واقع یک معبر و گذر بسیار طولانی است. نقشه را نگاه کردم، جلوتر باید برسم به خیابان بهرامی. ابدالناسی نیست که به من گیر بدهد که چرا انقدر داری پشت هم عکس می‌گیری. بالاخره یک نفر را پیدا کردم. پیرمرد جلوی سوپرمارکت محقری روی صندلی نشسته است. خواستم نزدیک بشوم و سر صحبت را باز کنم که مرد میانسالی بهش رسید، «سلام آقا قولی». دور شدم.

خیابان بهرامی که همتای همراستای دیگری بنام محمودزاده دارد، طول طویل شمال به جنوب میدان مطالعاتی را تشکیل می‌دهد. همان فیزیک رد باروی قدیمی است. از جداره خیابان بهرامی، چند خانه به‌طور کامل خراب شده است، به نحوی که می‌شود از توی جای خرابی‌ها گذشت و رفت به خیابان موازی‌اش محمودزاده. یک جهان شلم‌شوربایی درست شده است. تخریب‌های بسیار که همگی تبدیل شده‌اند به محلی برای پارک کردن ماشین‌ها. اوه! یک گلخانه عریض و طویل وسط این فضای مسکونی.

۶. تخلیفات: بیش از یک طبقه

پیچیدم به چپ، رسیدم به بن‌بست ترکیها. تنها بن‌بستی است که ورودی‌اش گیت فلزی زده‌اند. چند خانه اول همگی نوسازند. نبش سمت چپ، عمارت بزرگی ساخته شده است، با کاشی‌کاری‌هایی به سبک مراکز مذهبی. روبروی این عمارت، ساختمان نوساز با روکار سه‌سانتی، و کنار عمارت سه ساختمان نوساز سه طبقه بر روی پیلوت با روکار آجر سه‌سانتی زرد. سمت راست را که ادامه دادم به دو خانه قدیمی برخوردم. از این کوچه فرعی آمدم بیرون و مسیر مستقیم بن‌بست ترکیها را تا ته ادامه دادم. جنب ساختمان‌های نوسازی که وصف کردم، دیوارکشی با بلوک انجام شده است و طبق معمول درختی سرسبز از وسط آن سر به بیرون آورده بود. دیگر به تجربه برایم ثابت شده که اگر بپریم می‌توانیم محوطه خالی و مخروبه‌ای را پشت دیوارهای بلوکی ببینیم. نبش دیگر این خانه، دیواری است که نصف آن ادامه همین بلوک‌هاست و نصف دیگرش دیوار قدیمی خود خانه است.

رفتم سر محوطه پی‌کن‌شده. کیوسک نگهبانی را به طرف چپ ادامه دادم. روی زمین تخته‌های کثیف مخصوص بتن ریخته شده است. جلوتر سمت چپ، کوچه آهنی است. نبش کوچه، روبرو یک خانه خالی با دار و درخت که رویش کاغذ چسبانده: «میلگرد از ساعت فلان نیاوردید». نبش روبرو، زیر تابلوی کوچه آهنی، خانه‌ای قدیمی است که پایش کاملاً نم گرفته است. رفتم تو. یک خانه قدیمی با در چوبی و نودانی دوشاخه از دیوار کوچه می‌بینم. ادامه کوچه، عقب‌کشی شده است، یک طرف نوساز با ساختمان‌های دوطبقه بر بالای پیلوت و طرف دیگر خانه‌های قدیمی. دیوار یک خانه قدیمی، درخت انگور را سرتاسر دیوار طولانی کشانده و انگورها ریخته‌اند بیرون. تصویر دلنوازی است.

پشت این مخروبه، دری است با دیوار بتنی. جلوتر که رفتم متوجه شدم همان جایی است که روز اول پژوهش میدانی‌ام پی‌کنی کرده بودند، و حالا ستون‌های بتنی را بالا برده‌اند و کارگرها دارند بتن آماده می‌کنند. ساختمانی عظیم خواهد بود. برگشتم به امتداد پارکینگ تا مسیری که قرار بود مسیرگشایی بهار انجام شود را ردیابی کنم. یک خانه با روکار سنگی نوساز: دو طبقه بالای پیلوت. کنارش یک خانه قدیمی با در چوبی به رنگ آبی و کوبه بیضی، و پشت این خانه باز هم دیوار بتنی و مخروبه می‌بینم.

۷. ناهمسازی سکونت: پارکینگ‌سازی رسمی و غیررسمی

از بن‌بست ترکیها آمدم بیرون. راه آمده را برگشتم تا از ورودی بالاتری به طرف چایکنار وارد محله بشوم. ورودی بعدی کوچه‌ای است بنام حصار. نبش کوچه، پارکینگ عظیم شهرداری در جای چندین بنای تخریب‌شده ساخته شده است. روبروی پارکینگ یکی از ایستگاه‌های اتوبوس قرار داده شده است. و مابین پارکینگ و ایستگاه اتوبوس، کانکس «شرکت واحد اتوبوسرانی تبریز

و حومه (منطقه ۳)» در پیاده‌راه قرار داده شده است. به جداره بیرونی پارکینگ نرده‌ای با ارتفاع یک متر کشیده‌اند. دو مرد با لباس کردی از کوچه به درآمدند. قرار بوده از همین کوچه، مسیرگشایی به محله بهار انجام شود که نیمه‌کاره ماند.

رفتم توی کوچه حصار. روبروی پارکینگ، یک دیوارکشی کوتاه اینبار با آجر ساخته شده است. جلوی دیوار، چند میله به زمین قفل شده تا امکان پارک کردن ماشین‌ها از بین برود. به دیوار، در فلزی قرمزی شبیه در گاراژها انداخته‌اند. این دیوار و در متعلق به ملکی تخریب‌شده است. سگی می‌پلکد. کوچه را که ادامه می‌دهی، پشت پارکینگ، می‌پیچی به سمت راست: اینجا دو ساختمان نوساز با دو طبقه بر روی پیلوت ساخته شده‌اند. از اینجا باز هم پشت پارکینگ، پشت این ساختمان، ساختمانی با یک پیلوت و چهار طبقه بر روی آن را می‌بینم. پشت این «ساختمان‌های حصار ۱»، مخروبه بزرگ دیگری است که توسط بازاری‌ها یا مشتری‌ها به‌طور غیررسمی تبدیل به جای پارک شده است. حیاط خانه و درخت آن مانده است.

از خروجی شهید سبزی برگشتم سر کرکه‌ها. روبروی خروجی تابلوی مسجد «پالان‌دوزان» شهید سیگاری» را می‌بینم. ادامه دادم سمت راست. ته کوچه دفتر آیت‌اله سبحانی و کنارش دالانی قدیمی است با ارتفاع بسیار کم. پیچیدم سمت چپ. در ادامه، بسیاری از خانه‌ها عقب‌کشی کرده‌اند و فقط یک خانه کاهگلی مانده وسط. از کنار همین خانه کاهگلی، یک کوچه تنگ باز می‌شود که انتهایش می‌خورد به یک خانه کاملاً قدیمی. زن جوانی در انتهای کوچه بود که باعث شد نتوانم داخل بشوم و عکس بگیرم. برای بار دوم برگشتم. ولی باز هم آنجا بود. نشد. ادامه دادم. در میانه این عقب‌کشی‌ها، هنوز هم چند خانه قدیمی مانده است. ته مسیر مستقیم به بن‌بست هشتی‌مانندی رسید. برگشتم و پیچیدم راست. اینجا هم ابتدایش عریض است و سپس تنگ می‌شود. درخت انگور یک خانه وصل شده به تیرک بتونی که مانده وسط این مسیر. از یک خانه درخت انگور و توت بیرون زده است. زنی از من پرسید «از کجا به بازار می‌شود رفت؟» می‌خواست ماشینش را به جایی نزدیک بازار بیاورد.

۸. وضع انارشیک

با مشاهدات مردم‌نگارانه، صحنه‌های امروزی راستاکوچه را دیدیم و به مقولاتی چون «خانه‌های رو به ویرانی»، «مخروبه‌های رو به تزاید»، «درهای صدمه‌دیده»، «درهای قفل‌دار»، «شکسته شدن رد بارو»، «تخلقات» و «ناهمسازی سکونت» رسیدیم. ویرانی، صدمه، خلاف و ناهمسازی، پدیده‌های جدیدی هستند که ابتدا در کالبد محله و سپس در اجتماع آن روی داده‌اند.

این پرسه‌ها و کوچه‌گردی‌ها تصاویری مردم‌نگارانه ارائه دادند از دوران پس از سیاست‌گذاری در بخشی از بافت تاریخی تبریز در غرب بازار. نه تنها در این‌سوی باروی قدیمی بلکه در آن‌سوی در ایکی‌قالا هم تقریباً وضع به همین قرار است. با وجود ریزدانه بودن بسیاری از

خانه‌ها در ایکی‌قالا، در کوچه پس‌کوچه‌ها خانه‌هایی هم با متراژهای بالا وجود دارند که آنها هم رها شده‌اند. من که بسی وقت‌ها راهم را از بازار به طرف محله می‌کشم یا موقع برگشت از بازار رد می‌شوم، می‌توانم تضاد را به طرز عمیقی احساس کنم. جایی از تاریخ که مرمت و حفظ شده و جای دیگری از تاریخ که خرابه شده است. بسیاری از خانه‌های تاریخی و قدیمی رها شده و رو به ویرانی گذاشته‌اند. شهرداری پارکینگ و گلخانه ساخته است. برخلاف مقررات تنظیم‌شده، در سال‌های اخیر ساختمان‌های نوساز بالای یک پیلوت و یک طبقه ساخته شده است.

وضع به هم ریخته و آناشیک بر محله‌ها حاکم شده است. هم بناهای تاریخی وجود دارند، هم خانه‌های مخروبه‌شده، و هم ساختمان‌های نوساز. هم گذرها و دالان‌های تاریخی به جای مانده‌اند و هم خیابان‌هایی عریض با عقب‌کشی‌های اخیر پدید آمده‌اند. برخلاف سیاست‌گذاری‌های طرح‌ها و قوانین، در عمل نه تنها بافت تاریخی احیا نشده، بلکه رو به زوال مطلق گذاشته است. هم کالبدش و هم اجتماعش، در حال نابودی است. گویی تنها ضابطه‌ای که به مردم گفته شده بود «بالای ۷.۵ متر نسازید» بود. تعدادی خلاف کردند و ساختند ولی تعداد زیادی ول کردند و رفتند. نه از جبران کسری ارتفاع به مردم چیزی گفته شد و نه طرح ویژه تدوین گردید. در نظر و روی کاغذ آرمان‌ها نوشته شدند ولی در عمل نهادهای مسئول بافت را صرفاً با اعلام ضابطه محدودیت ارتفاع به حال خود رها کردند. البته تعبیر بهتر آن است که بگوییم بافت را قفل کردند. سایت میدانی من نه محله‌ای با هویت تاریخی زنده‌شده و امروزی‌شده که بتوان از طریق آن با سنت و شیوه زیستن نیاکانمان ارتباط برقرار کنیم، بلکه مجموعه‌ای از خرابه‌هاست.

وجود گسترده خانه‌های ویران‌شده، لابه‌لای خانه‌های سالم، احساس زنده بودن و زندگی را از کوچه‌ها، معابر و خیابان‌ها گرفته است. حالا چندین دهه است که مخروبه‌ها تبدیل به جزئی جدایی‌ناپذیر از هویت کالبدی و اجتماعی محله شده‌اند. وارد هر کوچه که می‌شوم دری را می‌بینم که فضای مخروبه پشت سرش قابل رویت است. مخروبه‌ها پیامدهای گسترده‌ای به جا گذاشته‌اند: احساس ناامنی، آلودگی، حیوانات موذی و پاتوق معتادها.

نتیجه‌گیری

سیاست «دست گذاشتن» (آل قویوب)، آنگونه که این پژوهش نشان داد، سیاست منع و سلب زندگی است. دست گذاشتن، شکلی از قدرت نهادی است، شکلی از حضور در کالبد محله از طریق قوانین. سیاست آل قویوب به توقف زیستن می‌انجامد. در نتیجه، یک محله یا یک بافت تبدیل به خرابه می‌گردد.

مشاهده کردیم که چگونه سیاست‌گذاری در سطوح مختلف طی چندین دهه، چگونه در بافت تاریخی تبریز و به‌طور خاص در محله‌ی راستاکوچه تأثیر گذاشته است. سیاست آل قویوب

که می‌بایست به سبک ایجابی با مجموعه‌ای وسیع از مطالعات و اقدامات ویژه موجب مراقبت و زنده شدن بافت تاریخی این سو و آن سوی باروی قدیمی می‌شد، به یک شیوه سلبی کوتاه‌فکرانه تقلیل یافت: بالای ۷/۵ متر ممنوع. به این ترتیب، تنها گزینه پیش روی ساکنان یا ۷/۵ متر بود یا پذیرفتن خطر زیستن در خانه‌هایی که دچار فرسودگی‌اند. به همین سبب، بسیاری از اهالی خانه‌های قدیمی‌شان را وانهادند و از محله‌ها رفته و آواره و مستأجر شده‌اند. خانه‌های رو به ویرانی گذاشتند. مخروبه‌های وسیع پدید آمدند. درهای خانه‌ها صدمه دیدند؛ خانه‌ها از سکنه‌ها خالی شدند و درها از بیرون قفل خوردند. با شکستن رد بارو اختلاط محله‌ای پدید آمد. تخلفات ساخت‌وساز بالای یک طبقه صورت گرفت. با ظهور پارکینگ‌ها در جاهای تخریب‌شده ناهمسازی سکونت‌ی شکل گرفت. جمع‌همه‌ی اینها وضع آنارشیکی بود که در بافت تاریخی حاکم شد. در نهایت، مردمان محله‌ها از زیستن در خانه‌های خود سلب شدند.

اداره میراث فرهنگی از کلیدواژه‌ها فقط «حفاظت» را می‌بیند، گرچه که حفاظت هم در مورد محدوده مورد مطالعه من بالعکس شده و ما بیشتر شاهد تخریب و یا به قول مردمان محلی «خارابا قویماق»، خرابه کردن، هستیم. آنچه از طرح‌ها و قوانین مورد غفلت قرار گرفت، حمایت بود. صاحبان خانه‌ها در برابر خود فقط موانع را می‌بینند. نهادهای محلی هیچ‌گاه به آنها نگفتند که در برابر ضرری که از قبل محدودیت ارتفاع متحمل می‌شوند، «حمایت» شده و جبران‌ش را دریافت خواهند کرد. اصلاً عنوان آخرین قانون با کلمه حمایت شروع می‌شود: «قانون حمایت از مرمت و احیا». در تعاملات و گفت‌وگوهایم با مردم محلی متوجه شدم که آنها خودشان هم خبری از بندهای حمایتی طرح‌ها و قوانین ندارند و از این‌رو مطالبه‌ای هم در این خصوص مطرح نمی‌کنند.

بافت تاریخی همچون رویایی مادی بود که در قلب شهر تبریز در اختیار داشته‌ایم. برآیند سیاست‌گذاری‌های محلی، ملی و بین‌المللی در قالب طرح‌های جامع، قانون‌های مجلس و پایگاه جهانی یونسکو در حدود نیم قرن گذشته، در کردار آل قویوب اداره کل میراث فرهنگی استان تجسم یافته است. هدف سیاست‌گذاری‌ها آن بود تا بافت تاریخی مرمت و زنده شود، اما دست گذاشتن به مراقبت نکردن و میراندن انجامید. نه تنها زندگی زیبایی‌شناختی نیاکان در گذشته حفظ نشد بلکه زندگی حال نوادگان آنها هم نابود شد. مثل ترکی «ایسددی قاشین جورلیه، ویردی گوزون چیخادی» مصداق عمل اداره میراث است: خواست ابرویش را درست کند، زد و چشمش را از حدقه درآورد. وقتی به ماده‌ها و بندها و تبصره‌های طرح‌ها و قوانین نگاه می‌کنیم همگی بر صیانت، حفاظت، مرمت و احیای بافت و آثار تاریخی و فرهنگی و حمایت از ساکنانش اصرار می‌کنند. اما وقتی به عمل نهادهای نگاه می‌کنیم نه صیانتی می‌بینیم، نه حفاظتی، نه مرمتی، نه احیایی و نه حمایتی.

محله‌های تاریخی تبریز حامل شیوه زیست زیبایی‌شناختی در روزگار امروزی‌اند که هنوز هم نشانه‌های مادی و فضایی قابل توجهی از آنها باقی مانده است. مراقبت از فیزیک بناها،

مکان‌ها و گذرها یا بازسازی مدرن آنها می‌تواند ارتباط نسل‌های امروز تبریزی‌ها و آذربایجانی‌ها را با فرهنگ نیاکانشان را برقرار سازد. محله‌هایی همچون راستاکوچه می‌توانند آیین‌های باشند جهت خیره شدن بر تاریخ، می‌توانند گذرهایی باشند برای قدم زدن آهسته در تاریخ، می‌توانند بستری باشند برای خلق تجربه‌های معاصر از هنر زیستن گذشتگان، می‌توانند هم‌جوشی هویت‌های سنتی و مدرن باشند تا آدم‌ها در هیاهوی جهان جدید گم نشوند. امکان‌های ارتباط امروزیان با گذشتگان با به میان آمدن پای بازیگران اصلی و قدرتمند تحت تأثیر قرار گرفته است. در پیش گرفتن سیاست‌های خاصی توسط نهادهای دولتی بود که هم بر بافت تاریخی تأثیر گذاشت و هم بر مردمان ساکن در آنجا و هم بر امکان‌های تجربه کردن زیبایی‌شناسی زیست نیاکان.

مهم‌ترین پیشنهادهایی که این پژوهش می‌تواند ارائه دهد، به اداره کل میراث فرهنگی است، چراکه سیاست‌گذاری‌های مربوط به آن نهاد در این تحقیق بررسی شدند. لذا پیشنهاد می‌گردد (۱) اداره کل میراث فرهنگی، به سیاست سلبی خود پایان دهد؛ (۲) طرح ویژه بافت تاریخی که می‌بایست در مهلت مقرر تهیه کند را تهیه نماید؛ و (۳) به ماده ۱۱ قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی- فرهنگی که بر «جبران» محدودیت‌های اعمالی در خصوص تراکم نسبت به ساکنین تأکید می‌کند، عمل نماید.

منابع

- ایرنا. (۱۴۰۰)، غبار تخریب بر چهره بافت تاریخی تبریز، ۱۱ بهمن. irna.ir/xjHnW8
- ایسنا. (۱۳۹۹)، بافت تاریخی تبریز، حیات خلوت بساز بفروشی‌ها، ۲ آذر. isna.ir/xdH6yw
- پورسراجیان، محمود. (۱۳۹۴) «ارزش‌های محله تاریخی و معیارهای تغییر در آن از نظر ساکنان»، **باغ نظر**، دوره ۱۲، شماره ۳۵، ص ۳۹-۵۲.
- دهقان ریک‌آبادی، ک و فراهانی، م. (۱۴۰۰)، ارزیابی پیامدهای مداخلات کلان مقیاس شهری در بافت تاریخی با تأکید بر اثرات اقتصادی: نمونه موردی بافت حوزه بلافصل مجموعه صاحب‌الامر شهر تبریز، **فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی**، دوره ۶، شماره ۱، ص ۱۱۵-۱۳۷.
- شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. (۱۳۹۵)، «مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح جامع شهر تبریز»، ۱۵ آذر، rc.majlis.ir/fa/law/print_version/1003844
- عباسی، ب. (۱۳۹۸)، ابعاد حقوقی ثبت آثار تاریخی در فهرست آثار ملی، **پژوهش‌های نوین حقوق اداری**، دوره ۱، شماره ۱، ص ۳۰-۱۰.
- قره‌بیگللو، م و دیگران. (۱۳۹۸)، معماری میان‌افزا؛ رویکردی میان‌رشته‌ای برای طراحی در بافت تاریخی: نمونه موردی مجموعه تجاری مشروطه در بافت تاریخی بازار تبریز، **باغ نظر**، دوره ۱۶، شماره ۱، ص ۶۸-۵۷.

مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۸)، «قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی - فرهنگی»،

rc.majlis.ir/fa/law/show/1199470

مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۲) قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری،

rc.majlis.ir/fa/law/show/94002

مهندسین مشاور نقش محیط. (۱۳۹۵)، طرح توسعه و عمران (جامع) تبریز، اداره کل راه و شهرسازی استان آذربایجان شرقی.

میراث آریا. (۱۳۹۹)، ابلاغ ضوابط احداث بنا در محدوده املاک مجاور عرصه بناهای ثبت ملی، ۲۸

ardibehst.chtn.ir/xZ4

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. (۱۳۹۸)، دستورالعمل اجرایی تعیین حریم آثار

ملی، ۲ تیر.

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. (۱۳۹۹)، ضوابط ارتفاعی حریم بناهای ثبت‌شده

در فهرست آثار ملی در محدوده املاک مجاور عرصه آثار، ۲۸ اردیبهشت.

Dubois, V, (2017) Policy Ethnography as a Combat Sport: Analysing the Welfare State against the Grain, in **If Truth Be Told: The Politics of Public Ethnography**, edited by Didier Fassin, Durham: Duke University Press, pp. 184-204.

Doratli, N. (2005). Revitalizing historic urban quarters: a model for determining the most relevant strategic approach, **European Planning Studies**, 13 (5): 749-772.

Fetterman, D. (2015). Ethnography in Applied Social Research", in **International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences**, 2nd edition, Volume 8, edited by James Wright, Elsevier, pp. 184-191.

Gledhill, J, (2000) **Power and Its Disguises: Anthropological Perspectives on Politics**, London, Pluto.

Greenhouse, C, (2018) Political Anthropology, in **The International Encyclopedia of Anthropology**, edited by Hilary Callan, John Wiley & Sons.

Gupta, A, (2012) **Red Tape: Bureaucracy, Structural Violence, and Poverty in India**, Durham, NC, Duke University Press.

Hull, M, (2012). **Government of Paper: The Materiality of Bureaucracy in Urban Pakistan**, Berkeley, University of California Press.

ICOMOS (International Council on Monuments and Sites). 2009. **Tabriz Historic Bazaar Complex**, whc.unesco.org/en/list/1346/maps/

ICOMOS (International Council on Monuments and Sites). 2010. **Tabriz Historic Bazaar (Iran)**, whc.unesco.org/document/152434, pdf.

Krohn-Hansen, Ch, (2015) Political Anthropology, in **International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences**, Elsevier, Vol. 18: 335-341.

Lewellen, T, (2003) **Political anthropology: An Introduction**, Westport, Praeger.

- Li, T, (2007) **The Will to Improve: Governmentality, Development, and the Practice of Politics**, Durham, NC, Duke University Press.
- Mathews, A, (2011) **Instituting Nature: Authority, Expertise, and Power in Mexican Forests**, Cambridge, MA: MIT Press.
- Nugent, D & Vincent, eds, (2007) **A Companion to the Anthropology of Politics**, Wiley-Blackwell.
- Pelto, P. J & Pelto, G. H. (1978). **Anthropological Research: The Structure of Inquiry**. Cambridge University Press, New York.
- Song, Sh, (2010) **The Effectiveness of Rgeneration Policy in Historic Urban Quarters in England (1997-2010)**, PhD Thesis, University of Nottingham.
- Tate, W, (2020) Anthropology of Policy: Tensions, Temporalities, Possibilities, **Annual Review of Anthropology**, 49 (1): 83-99.
- Vincent, J, ed, (2002) **The Anthropology of Politics: A Reader in Ethnography, Theory and Critique**. Hoboken, NJ, Wiley Blackwell.
- Vincent, J, (1990) **Anthropology and Politics: Visions, Traditions and Trends**, Tucson, University of Arizona Press.

